

بررسی نقش دلبستگی دوران کودکی،

دلبستگی به خدا و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی دانشجویان شهر بیرجند

سمیه خراشادیزاده،* فاطمه شهابی‌زاده،** رضا دستجردی ***

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش دلبستگی به والد، دلبستگی به خدا و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی دانشجویان شهر بیرجند است. از میان جامعه آماری، ۷۰۰ دانشجو به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی از بین دانشجویان دانشگاه پیام نور و دانشگاه آزاد شهر بیرجند انتخاب شده‌اند. پرسش‌نامه‌های دلبستگی به والد (هازن و شیور، ۱۹۸۶م)، دلبستگی به خدا، سبک‌های اسنادی (ASQ) و اضطراب اجتماعی (SD) تکمیل و از طریق تحلیل مسیر بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که سبک اسنادی شکست، و دلبستگی نایمن به پدر به طور مستقیم اضطراب اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین دلبستگی دوران کودکی از طریق دلبستگی به خدا و اسناد موفقیت بر افزایش یا کاهش اضطراب اجتماعی، مسیرهای معناداری نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت: دلبستگی ایمن دوران کودکی، سبک‌های اسنادی مثبت و دلبستگی ایمن به خدا در کاهش اضطراب اجتماعی مؤثر هستند. کلیدواژه‌ها: دلبستگی به والد، دلبستگی به خدا، سبک‌های اسنادی و اضطراب اجتماعی.

sumaye2009@gmail.com

f_shahabizadeh@yahoo.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد

** عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

*** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند.

دریافت: ۹۰/۹/۲ - پذیرش: ۹۰/۱۲/۱۶

مقدمه

اختلال اضطراب اجتماعی با ترس ناتوان‌کننده پایدار و نامعقول از یک یا چند موقعیت اجتماعی یا عملکردی مشخص می‌شود که فرد در موقعیت‌های اجتماعی می‌ترسد که با بررسی و ارزیابی بالقوه منفی دیگران روبه‌رو شود و ممکن است به صورت خجالت‌آور یا تحقیرآمیز رفتار کند. همچنین افراد مبتلا به اضطراب اجتماعی به سبب ترس‌های خود، از این موقعیت‌ها دوری کرده یا با ناراحتی زیاد آن را تحمل می‌کنند.^۱ روند اضطراب اجتماعی معمولاً مزمن و پیوسته است و در مقایسه با اختلال‌های اضطرابی^۲ دیگر، با دوران کودکی بیشتر در ارتباط است. بنابراین، بررسی فاکتورهایی مانند دل‌بستگی در زمینه علیتی اضطراب اجتماعی، امری اجتناب‌ناپذیر است.^۳

نظریه دل‌بستگی به تعامل مادر و کودک اشاره می‌کند و نتیجه عمده این تعامل را به وجود آمدن نوع دل‌بستگی عاطفی بین آنان می‌داند. در واقع، رشد سالم فرد در هر دوره، معلول عواملی است که یکی از مهم‌ترین آنها، ایمنی دل‌بستگی است. به این ترتیب، دل‌بستگی ایمن، کودک را به داشتن یک شخصیت منعطف هدایت می‌نماید. وقتی انسان به دیگران اعتماد داشته و از پذیرفته شدن از طرف آنان مطمئن باشد، به کاوش در محیط اشتیاق بیشتری نشان می‌دهد، عواطف مثبت‌تری می‌یابد، از عزت نفس بالاتری بهره‌مند می‌شود، در حل مسئله، پافشاری می‌نماید، ابتکار و پشتکار پیدا می‌کند و به عبارت دیگر، از سازگاری اجتماعی و عاطفی بیشتری بهره‌مند می‌شود.^۴ همچنین ارتباطات والد - کودک به عنوان مدلی که ارتباطات اجتماعی را شکل می‌دهد، در نظر گرفته می‌شود و کودکانی که به طور ضعیف دل‌بسته می‌شوند، ممکن است در شروع و تداوم تعاملات اجتماعی موفقیت‌آمیز، مشکل داشته و دچار گوشه‌گیری اجتماعی و دوری از همسالان شوند. بنابراین، دل‌بستگی ضعیف فرصت‌هایی را که کودکان به تمرین مهارت‌های اجتماعی مؤثر می‌پردازند، محدود می‌کند، و طبیعی است که این فرآیند در افزایش بازداری از اجتماع و ناآرامی در موقعیت‌های اجتماعی نقش ایفا می‌کند.^۵ در این زمینه می‌توان به نتایج پژوهش‌هایی مانند روزکان^۶ اشاره کرد که وی دریافت سطح اضطراب اجتماعی افرادی که دل‌بستگی ایمن داشته‌اند، کمتر از افرادی دانسته است که سبک دل‌بستگی ناایمن دارند. همچنین نتایج تحقیق بروماریو و کرنز^۷ نیز حاکی از آن است که دل‌بستگی ایمن و دل‌بستگی دوسوگرا به مادر، به ترتیب با کاهش و افزایش اضطراب اجتماعی رابطه معناداری دارد.

آنها به این نتیجه رسیده‌اند که افراد دارای دلبستگی ایمن به مادر، شایستگی‌های اجتماعی بیشتری داشته و ارتباط آنها با همسالان، کیفیت بالاتری دارد.

دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی و جامعه‌شناسی عصر جدید بر این اصل قرار دارند که یک عامل به تنهایی تعیین‌کننده رفتار افراد نیست، بلکه عوامل متعددی در ایجاد و شکل‌گیری رفتار نقش دارند و بیشتر رفتارهای انسان تابع چند عامل است.^۸ اضطراب اجتماعی نیز از این قاعده مستثنا نیست و به نظر می‌رسد مؤلفه‌های مذهبی، از جمله چگونگی ارتباط فرد با خدا نیز بر میزان اضطراب اجتماعی اثر داشته و نمی‌توان نقش آن را نادیده گرفت. تاریخ بشریت نشان داده است که دین‌ورزی^۹ در میان انسان‌ها قدمتی دیرینه دارد. آن چنان که از مطالعات باستان‌شناسی و انسان‌شناسی از اعصار دور بر می‌آید، مذهب جزء لاینفک زندگی بشر در تمامی اعصار بوده است، زیرا بشر از همان آغاز زندگی خود به حامی مقتدر و تکیه‌گاهی نیرومند احساس نیاز کرده است و به گفته کیریک پاتریک^{۱۰} مقصود انسان از پرداختن به مذهب و دین، ارتباط با خداست.^{۱۱}

پاتریک از حدود دهه نود میلادی، دلبستگی را چارچوبی توانمند برای درک و یک‌پارچه کردن بسیاری از جنبه‌های باور دینی اختیار کرده است.^{۱۲} وی مدعی شده است که مؤمنان ارتباط متقابل شخصی با یک خدای محبوب، دانا و نیرومند برقرار می‌کنند و این ارتباطات را ارتباطات دلبستگی در نظر گرفته است.^{۱۳} همچنین وی فرض کرده است که دو فرضیه برای ورود افراد به دلبستگی به خدا مطرح می‌شود: نخست، اینکه خدا به عنوان چهره دلبستگی، در قالب رفتارهای جبرانی به عنوان یک جایگزین برای افرادی که چهره دلبستگی‌شان بهینه نبوده است، عمل می‌کند (فرضیه جبران) و دیگر اینکه دلبستگی به خدا ناشی از انطباق با مدل‌های درونی مربوط والد است (فرضیه انطباقی هم‌زمان). در این زمینه بعضی شواهد حمایت‌کننده برای تطابق بین سبک‌های دلبستگی و شاخص‌های دلبستگی به خدا وجود دارد،^{۱۴} که می‌توان به نتایج پژوهش شهابی زاده^{۱۵} اشاره کرد که وی دریافته است که رابطه معناداری بین ادراک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به خدا با ادراک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به مادر و پدر وجود دارد. مینر^{۱۶} نیز دریافته است که همخوانی مثبتی بین دلبستگی به والدین و دلبستگی به خدا وجود دارد. با توجه به یافته‌ها و نظریه‌های فوق، خداوند چهره دلبستگی مطلق است و به عنوان کسی که از پیروانش محافظت و آنها را هدایت می‌کند، همانند والدین دیده می‌شود.^{۱۷}

بنابراین، خدا به عنوان چهره دل‌بستگی، پایگاه امنی برای رفتارهای کاوش و پناهگاه ایمن در زمان پریشانی یا تهدید برای مؤمنان در نظر گرفته می‌شود و زمانی که مؤمنان از خدا دور یا جدا می‌شوند، احساس اضطراب می‌کنند. مؤمنان خواستار نزدیکی به خدا هستند و این تماس برای آنان در میان ارتباط با خدا در شکل‌های دعا و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی دل‌پذیر است. همچنین زمانی که مؤمن خبرهایی در مورد مرگ و از دست دادن عزیز خود دریافت می‌کند، تمایل دارد که به خدا به عنوان پناهگاه امن، نزدیک شود تا دوباره حس امنیت و آرامش را به دست آورد.^{۱۸} همچنین فرد با اعتقاد به اینکه خدا اساس ایمنی است، احساس قدرت نموده، اعتماد به نفسش هنگام اضطراب و ترس افزایش می‌یابد. این احساس ایمنی به آرامش درونی در فرد منجر شده، وی را برای مقابله با مشکلات و چالش‌های زندگی آماده می‌کند. بنابراین، این احساس ایمنی، پادزهری در برابر ترس و اضطراب است.^{۱۹}

تحقیقات متعددی بر دل‌بستگی به خدا و سلامت روان‌شناختی تمرکز داشته‌اند. برای مثال، پاتریک و شیور^{۲۰} دریافته‌اند افرادی که دل‌بستگی ایمن به خدا دارند، در مقایسه با افرادی که دل‌بستگی دوسوگرا به خدا دارند، رضایت زندگی بیشتر و اضطراب و افسردگی و بیماری کمتری دارند. در پژوهش دیگری که توسط برادشو و همکاران^{۲۱} صورت گرفته، مشخص شده است که رابطه منفی معناداری بین دل‌بستگی ایمن به خدا و پریشانی روانی وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق الیسون و همکاران^{۲۲} نیز نشان می‌دهد که توجه به مذهب و دعا باعث کاهش آثار زیان آور بیماری‌ها و اضطراب دارد.

دل‌بستگی به خدا به عنوان مؤلفه معنوی، و سبک‌های دل‌بستگی به عنوان مؤلفه عاطفی، از عوامل اثرگذار مهم بر اضطراب اجتماعی هستند. اما به نظر می‌رسد که این عوامل به تنهایی بر متغیر مذکور اثر نداشته و مؤلفه‌های شناختی در کنار مؤلفه‌های عاطفی و معنوی سهم پیش‌بینی اضطراب اجتماعی را افزایش می‌دهد.

اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، شرم و احساس گناه، بیشتر نتیجه کارکرد نامناسب تفکر و شناخت هستند تا صرف رویدادها. به عبارت دیگر، این وقایع و رویدادهای بیرونی نیستند که به استرس می‌انجامند، بلکه چگونگی نگرش و تفکر ما به این رویدادهاست که باعث استرس‌پذیری ما از رویدادها می‌شود. نظریه‌ای که در دهه اخیر به آن توجه شده، سبک یا شیوه‌های تبیین افراد و رویدادهای تنش‌زاست که می‌تواند نقش مهمی در سلامت

روانی داشته باشد.^{۳۳} افرادی که باورها و انتظارات منفی در مورد خودشان و موقعیت اکنون و آینده‌شان دارند، موجب تعبیر حوادث به صورت بدبینانه می‌شوند و این خود، عملکرد ضعیف، شکست و پیش‌بینی منفی در مورد آینده و ساخته‌شدن اسنادهای منفی در مورد عملکردشان را در پی دارد و این اسنادهای ناسازگارانه احتمالاً بر انگیزه و عملکرد بعدی این افراد اثر گذاشته و باعث می‌شود که شکست را به خودشان نسبت دهند و این امر باعث کاهش انتظارات موفقیت‌آمیز و موجب کاهش انگیزه در مشارکت‌های اجتماعی و دوری از آن شود. اما در صورتی که افراد موفقیت‌های خود را به تلاش‌های خودشان و توانایی‌هایشان و شکست را به بدشانسی و وظایف مشکل نسبت دهند، با انکار مسئولیت‌های شخصی برای پرهیز از سرزنش کردن خود، باعث عزت نفس و کاهش اضطراب در موقعیت‌ها می‌شوند.^{۲۴} بنابراین می‌توان گفت که سبک‌های شناختی در اضطراب اجتماعی هم دخیل هستند که در این زمینه، نتایج پژوهش بل دولان و وسلر^{۲۵} نیز حاکی از آن است که در بزرگسالان رابطه معناداری بین اضطراب اجتماعی و سبک‌های اسنادی منفی وجود دارد. همچنین نتایج تیلور و والد^{۲۶} نیز نشان می‌دهد که اختلال اضطراب اجتماعی، در مقایسه با اختلال پانیک، آگروفوبیا و اختلال استرس پس از حادثه با کاهش انتظارات برای حوادث منفی اجتماعی (شکست) ارتباط دارد.

با توجه به آنچه گفته شد، انسان اساساً موجودی اجتماعی و نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است و فعالیت‌های روزمره، شامل تماس با افراد دیگر و در موقعیت‌های مختلف اجتماعی است. بنابراین، اضطراب اجتماعی می‌تواند اختلال آشفته‌کننده و مخربی باشد که به طور معمول باعث نگرانی زیاد در فرد می‌شود.^{۲۷} با شیوع بالای این اختلال که حدود ۱۳ درصد در جامعه است و آن را در جایگاه سومین اختلال روان پزشکی پس از افسردگی و وابستگی به الکل قرار داده است،^{۲۸} شناخت عواملی که در پیدایش و تداوم اضطراب اجتماعی دخیل هستند در جهت بهبود و پیشگیری این اختلال الزامی است. از سوی دیگر، هر یک از عوامل یاد شده، به تنهایی در پژوهش‌هایی ارتباط آنها با اضطراب اجتماعی بررسی شده است، اما در این پژوهش این عوامل در کنار یکدیگر در ارتباط با اضطراب اجتماعی قرار گرفته تا سهم هر یک از عوامل پیش‌بینی‌کننده تعیین شود. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی نقش دلبستگی دوران کودکی، دلبستگی به خدا و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی است.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع همبستگی است. در پژوهش حاضر ارتباط بین متغیرهای پیش‌بین (دل‌بستگی به والد، سبک‌های اسنادی و دل‌بستگی به خدا) و متغیر ملاک (اضطراب اجتماعی) مطالعه شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور شهر بیرجند در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ تشکیل می‌دهد. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی، هفتصد نفر از دانشجویان این دو دانشگاه انتخاب شده‌اند.

برای گردآوری داده‌ها نیز از ابزارهای زیر استفاده شده است:

۱. مقیاس اضطراب اجتماعی

این مقیاس توسط واتسون و فرند^{۲۹} در سال ۱۹۶۹م به منظور تشخیص و ارزیابی اضطراب اجتماعی ساخته شد. این مقیاس خودگزارشی و مداد کاغذی شامل ۲۸ ماده است و پیوستار پاسخ‌ها بر پایه طیف درست و نادرست مشخص شده است. ضریب پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۹ گزارش شده است. آلفای کرونباخ مقیاس در نمونه ایرانی برابر با ۰/۷۷ به دست آمده است.^{۳۰} در پژوهش حاضر، تحلیل عاملی برای به دست آمدن عامل‌های زیر بنایی و هم‌پوشی بین متغیرها انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که مفروضه‌های تحلیل عاملی برای kMO برابر ۰/۷ و معناداری آزمون بارتلت ($p < ۰/۰۰۱$) تحلیل عاملی را امکان‌پذیر نموده است. تحلیل مؤلفه اصلی با چرخش ابلیمین نیز با حذف چندگویه نامناسب که در عامل‌های غیر قابل پیش‌بینی بار داشته یا بار کمتر از ۰/۳ را نشان داده‌اند، از تحلیل حذف شده و ساختار ساده یک عاملی به دست آمده است. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ مقیاس اضطراب اجتماعی ۰/۷۱ به دست آمده که از پایایی مقیاس حکایت می‌کند.

۲. آزمون سبک دل‌بستگی به هر والد

این آزمون را هازن و شیور^{۳۱} در سال ۱۹۸۶م بر اساس طبقه‌بندی‌های سبک دل‌بستگی نوزادان در توصیف‌های اینزورث و همکاران تهیه کردند. آزمون فوق شامل شش پاراگراف (سه عبارت برای هر والد) است که روابط دوران کودکی پاسخ دهنده را با پدر و مادر بر اساس هر یک از سبک‌های دل‌بستگی توصیف می‌کند.^{۳۲} در مطالعه شهابی‌زاده^{۳۳} برای غلبه بر محدودیت‌های سنجش هر بعد بر اساس یک پاراگراف، جمله‌های هر پاراگراف مجزا شده و به صورت جداگانه مطرح شده که در مجموع مقیاس پانزده ماده‌ای برای هر والد بر

اساس مقیاس هفت درجه‌ای به دست آمده است. هماهنگی درونی در همبستگی کرونباخ مطالعه مذکور ۰/۷۷ و ۰/۸۶ و همچنین ۰/۸۸ و ۰/۹ به ترتیب برای دلبستگی نایمن و ایمن به مادر و پدر به دست آمده است. در پژوهش حاضر، تحلیل عاملی برای هر یک از مقیاس دلبستگی به پدر و مادر با چرخش ابلیمین ساختار ساده دو عاملی (ایمن به مادر، نایمن به مادر، ایمن به پدر و نایمن به پدر) را نشان داده است. در مطالعه، همچنین در این آلفای کرونباخ برای ایمنی و نایمنی به مادر ۰/۷ و ۰/۸۲ و برای ایمنی و نایمنی به پدر ۰/۸۶ و ۰/۸۵ به دست آمد.

۳. آزمون سبک دلبستگی به خدا

این مقیاس در سال ۲۰۰۲م توسط روات^{۳۴} و پاتریک جهت ارزیابی سبک دلبستگی افراد به خدا ابداع شد. این مقیاس حاوی نه ماده است که هر یک، توصیف کوتاهی از چگونگی رابطه دلبستگی فرد به خداوند ارائه می‌کند.^{۳۵} برای رفع محدودیت ناشی از تعداد اندک گویه‌ها و ساختار دو عاملی مقیاس مذکور در تحلیل عاملی مطالعه شهابی‌زاده و همکاران^{۳۶} به دست آمده است. با توجه به مبانی نظری مرتبط با محتوای سبک‌های دلبستگی، چندگویه اجتنابی و دوسوگرا، از مقیاس بک و مک‌دونالد (۲۰۰۴م) به آن اضافه شده است. در مطالعه شهابی‌زاده^{۳۷} همسانی درونی دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۶۹، ۰/۷۴ گزارش شده است. در مطالعه حاضر، تحلیل مؤلفه اصلی با چرخش ابلیمین ساختار ساده سه عاملی (دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به خدا) را نشان داده است. آلفای کرونباخ برای عامل اجتنابی، دوسوگرا و ایمن به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۱، ۰/۸۶ به دست آمده که از پایایی بالای مقیاس حکایت است.

۴. پرسش‌نامه سبک اسنادی

این پرسش‌نامه ابزاری خود گزارشی است و نخستین بار توسط پترسون و سلینگمن^{۳۸} در سال ۱۹۸۴م برای اندازه‌گیری اسنادهای افراد برای رویدادهای غیر قابل کنترل ساخته شد. پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی در برگیرنده دوازده موقعیت فرضی است (شش موقعیت مثبت و شش موقعیت منفی). برای هر موقعیت، چهار پرسش مطرح شده است که نخستین پرسش درباره مهم‌ترین علت این رویداد است. ضروری است که آزمودنی به سه پرسش بعد نیز برحسب موارد زیر پاسخ دهد، هر چند که تأثیری در نمره‌گذاری ندارد. این موارد،

شامل درونی یا بیرونی، ناپایدار یا پایدار و کلی یا اختصاصی بودن رویداد است.^{۳۹} ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه سبک اسنادی ۰/۷۶ را گزارش می‌دهد.^{۴۰} آلفای کرونباخ در نمونه ایرانی برای همه پرسش‌های پرسش‌نامه ۰/۷۴ به دست آمده است.^{۴۱} در مطالعه حاضر، تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین نیز بعد از حذف ماده‌های نامناسب ساختار ساده دو عاملی (اسناد پایدار درونی کلی موفقیت و اسناد پایدار شکست) را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ اسناد پایدار کلی درونی موفقیت ۰/۷۶ و اسناد پایدار کلی شکست ۰/۷۱ به دست آمده که حاکی از پایایی بالای مقیاس می‌باشد.

یافته‌ها

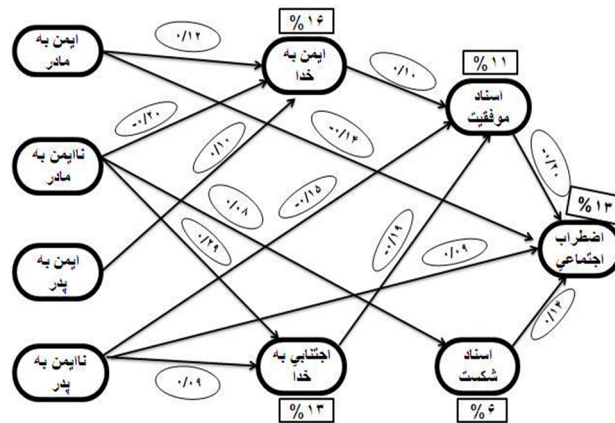
جدول ۱ شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در ارتباط با دلبستگی به خدا و والد، بالاترین میانگین مربوط به دلبستگی ایمن به مادر و خداست.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

| شاخص | دلبستگی به خدا | | | | | سبک‌های اسنادی | | دلبستگی به والد | | |
|------------------|----------------|---------|---------|--------|------|----------------|---------------|-----------------|--------------|----------------|
| | ایمن | دوسوگرا | اجتنابی | موفقیت | شکست | ایمن به مادر | نایمن به مادر | ایمن به پدر | نایمن به پدر | اضطراب اجتماعی |
| میانگین | ۵/۷۶ | ۳/۵۹ | ۱/۷۵ | ۴/۲۰ | ۳/۴۵ | ۵/۸ | ۲/۸۷ | ۵/۴۸ | ۳/۸۰ | ۳/۲۰ |
| انحراف استاندارد | ۰/۹۹ | ۱/۵۳ | ۱/۱۵ | ۰/۷۳ | ۰/۶۵ | ۱/۱۵ | ۱/۲۹ | ۱/۲۸ | ۱/۳۹ | ۲/۳۱ |

به منظور بررسی الگوی مفهومی و تعیین نقش چگونگی رابطه بین متغیرها، از تحلیل مسیر استفاده شده است. علاوه بر این، برآورد پارامترهای الگو از طریق روش بیشینه احتمال به دست آمده که در شکل ۱ مشاهده می‌شود. به منظور برآورد دقیق‌تر پارامترها و نیز شاخص‌های برازندگی لیزرل، مسیرهایی که ضرایب آنها معنادار نبوده از الگو حذف و پارامترها دوباره برآورد شده است، گفتنی است به دلیل اینکه متغیر درونزای دوسوگرا به خدا مسیرهای علی معناداری نشان نداده (نه به عنوان پیش‌بین و نه ملاک) از مدل حذف شده است. چنان که مشاهده می‌شود الگوی پیشنهادی با داده‌ها برازش مناسبی دارد. شاخص مجذور کای برابر با ۲۸/۹۸ و در سطح ۰/۰۱ ($p = ۰/۰۱۰۵$) غیر معنادار شده است. بدین ترتیب، الگو می‌تواند تقریباً قابل قبولی از جامعه ارائه دهد. به هر حال، شاخص RMSEA که برای اندازه‌گیری متوسط باقی مانده‌ها به کار می‌رود، برابر ۰/۰۳۹ به

دست آمده است. مقادیر دیگر شاخص‌های برازندگی، از جمله GFI , NFI , $NNFI$, $AGFI$, CFI ، به ترتیب $0/99$ ، $0/99$ ، $0/99$ ، $0/98$ ، $0/98$ ، $0/97$ به دست آمده که چون از $0/9$ بزرگ‌تر است، نشان دهنده برازش مناسب با داده‌هاست. همان‌طور که در شکل مشاهده می‌شود، دلبستگی ایمن به مادر و پدر و ناایمن به مادر به طور مستقیم دلبستگی ایمن به خدا را پیش‌بینی می‌کند که البته سهم کلی ناایمن به مادر در کاهش ایمن به خدا قوی‌تر به دست آمده است ($0/20$). همچنین نتایج نشان می‌دهد که در پیش‌بینی اسناد پایدار کلی و درونی موفقیت، هر دو سبک دلبستگی اجتنابی به خدا و ناایمن به پدر نقش معکوس دارد و دلبستگی ایمن به خدا در افزایش اسناد موفقیت نقش ایفا می‌کند. اما نکته قابل توجه این است که دلبستگی ایمن به مادر و پدر به طور مستقیم پیش‌بینی کننده اسناد موفقیت نبوده، بلکه از طریق دلبستگی به خدا به افزایش اسناد موفقیت منجر می‌شوند. در پیش‌بینی اسناد پایدار کلی شکست، تنها دلبستگی ناایمن به مادر پیش‌بینی کننده آن بوده است. در نهایت، در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی، سبک‌های اسنادی و شکست و دلبستگی ناایمن به پدر به طور مستقیم پیش‌بینی کننده آن بوده است. اما دلبستگی به خدا با واسطه اسناد موفقیت و دیگر سبک‌های دلبستگی به والد از طریق دلبستگی به خدا و سبک‌های اسنادی بر افزایش یا کاهش اضطراب اجتماعی مسیرهای معناداری نشان داده‌اند که در مجموع، بیشترین اثر کل را اسناد پایدار کلی درونی موفقیت بر کاهش اضطراب اجتماعی نشان می‌دهد.



شکل ۱: الگوی پیش‌بینی اضطراب اجتماعی با توجه به دلبستگی دوران کودکی، دلبستگی به خدا و سبک‌های اسنادی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش دلبستگی دوران کودکی، دلبستگی به خدا و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی دانشجویان بوده است. نتایج تحلیل مسیر در مورد رابطه عوامل پیش‌بینی کننده حاکی از آن است که دلبستگی ایمن به پدر و ناایمن به مادر، به ترتیب موجب افزایش و کاهش دلبستگی ایمن به خدا می‌شود و تنها دلبستگی ناایمن به مادر و پدر بر افزایش دلبستگی اجتنابی به خدا اثر دارد. نتایج پژوهش حاضر، تحقیقات قبلی از جمله مینر^{۴۲} و شهابی زاده^{۴۳} که بر ارتباط بین سبک‌های دلبستگی افراد و سبک‌های دلبستگی به خدا اشاره داشتند را تأیید می‌کند و تأیید کننده نظریه انطباقی هم‌زمان است، از این‌رو، دین می‌تواند به عنوان یک فرایند دلبستگی، مفهوم‌سازی شود.^{۴۴} بنابراین، الگوهای اساسی روابط دلبستگی اولیه پایه تصورات از خدا و عقاید دینی هستند؛ یعنی تفاوت‌های فردی و تاریخچه دلبستگی دوران کودکی در یک نقطه زمانی با تفاوت‌های فردی عقاید دینی و الگوهای روانی از خدا هماهنگ است. این فرضیه، شبیه تحلیل اریکسون^{۴۵} در مورد اینکه اعتماد اولیه شرط لازم ایمان و اعتقاد بعدی در زندگی بزرگسالان است، می‌باشد. بر این اساس، همان‌طور که کودک مادر را پایه و اساس ایمنی می‌دانسته و در محیط کاوش می‌کند، فرد نیز با اعتقاد به اینکه خدا اساس ایمنی است، احساس قدرت کرده و باعث افزایش اعتماد به نفس وی در لحظات استرس و اضطراب می‌شود.^{۴۶} بنابراین، دلبستگی برای انتقال مذهب، نقش مؤثری دارد و کیفیت دوران کودکی، ارتباط با خدا را در بزرگسالی پیش‌بینی می‌کند. نتایج دیگر از روابط متغیرهای پیش‌بینی کننده حاکی از آن است که رابطه معناداری بین دلبستگی ایمن به خدا و اسناد موفقیت، وجود دارد. این نتایج، تحقیقات قبلی از جمله لوونتال^{۴۷} و همکاران که بر ارتباط بین دین‌داری و شناخت اشاره داشتند را تأیید می‌کند.

به نظر می‌رسد دین و ارتباط با خدا بر جریان‌های شناختی فرد تأثیر می‌گذارد و مذهب فرایندی است که بدین وسیله افراد می‌توانند پیامدهای آینده را موفقیت‌آمیز در نظر بگیرند؛ یعنی ایمان و اعتقاد به خدا و اینکه هر کاری با توکل به او به خوبی شروع می‌شود و خدا تمام امور را کنترل می‌کند باعث حس خوش‌بینی و اطمینان در مورد عملکردهای آینده فرد می‌شود.^{۴۸} بنابراین، با این حس، خوش‌بینی وارد صحنه‌های اجتماعی می‌شود. اما نکته قابل

توجه این است که دلبستگی به خدا بین دلبستگی دوران کودکی و سبک‌های اسنادی موفقیت، میانجی‌گری می‌کند، از این‌رو، تعاملات والدین و فرزندان و ارتباط با خدا می‌توانند در ایجاد سبک‌های اسنادی موفقیت تأثیر داشته باشند. در نهایت، نتایج تحلیل مسیر در مورد رابطه عوامل پیش‌بینی کننده بر عامل پیش‌بینی شونده حاکی از آن است که از بین متغیرهای پیش‌بینی کننده، متغیر سبک اسنادی شکست و دلبستگی نایمن به پدر به طور مستقیم پیش‌بینی کننده اضطراب اجتماعی است. این نتایج، تحقیقات قبلی توسط بروماریو و کرنز^{۴۹} در ارتباط با تأیید نقش سبک‌های دلبستگی، و تیلور و والد^{۵۰} در ارتباط با تأیید نقش سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی را تأیید می‌کند.

به طور کلی بالبی در تبیین آثار سبک‌های دلبستگی بر اضطراب اجتماعی، معتقد است که الگوهای پاسخ دهی فرد به فشارهای محیطی متأثر از ارتباط عاطفی اولیه مادر - کودک است و مؤثرترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت و سلامت روانی وی حتی در دوران بزرگسالی دارد. هنگامی که در رابطه نوزاد و مراقب او (غالباً مادر) دلبستگی ایمن ایجاد می‌شود کودک در روابط با همسالان در آینده مثبت‌تر عمل می‌کند و کفایت اجتماعی بیشتری را از خود نشان می‌دهد.^{۵۱} طبق نظریه دلبستگی مادرانی که به طور پیوسته در دسترس هستند و به طور عاطفی به نیازهای دلبستگی فرزندشان واکنش نشان می‌دهند، در کودکان شکلهایی از دلبستگی ایمن تولید می‌کنند که باعث رفتارهای اکتشافی در آنها می‌شود.^{۵۲} بنابراین، به نظر می‌رسد که توان اکتشافی محیطی ناشی از ایمنی به مادر، تسهیل کننده روابط اجتماعی است و باعث کاهش اضطراب اجتماعی می‌شود.

همچنین نتایج حاکی از آن است که هر چند مادران در دوران کودکی نقش مهمی در سلامت روانی فرزندان خود دارند، ولی نمی‌توان نقش پدران را به آسانی نادیده گرفت. مشارکت پدر در تربیت فرزند می‌تواند همانند مشارکت مادر تأثیر بارزی بر تحول کودک داشته باشد. پدران تمایل دارند که از طریق الگوسازی به جای آموزش مستقیم، رفتارهای بین فردی را به فرزندان خود منتقل کنند. بنابراین، فرزندانی که احساس نزدیکی بیشتری به پدر خود داشته و زمان بیشتری را با وی می‌گذارند، بیشتر می‌توانند رفتارهای بین فردی را بیاموزند و به زندگی خود منتقل کنند و به این ترتیب، سازگاری روان‌شناختی بیشتری دارند.^{۵۳} بنابراین، هنگامی که فرد احساس نزدیکی به پدر نداشته باشد این فرایند رخ

نمی‌دهد و در نتیجه می‌توان گفت که دل‌بستگی ناایمن به پدر نقش مهمی در اضطراب در موقعیت‌های اجتماعی بازی می‌کند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های عاطفی، معنوی و شناختی، مؤلفه شناختی سهم پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری در مقایسه با دیگر مؤلفه‌ها دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که نظریه‌های شناختی در باب اختلال اضطرابی مبتنی بر این‌انگاره هستند که عوامل شناختی، مانند باورهای ناکارآمد و افکار غیرمنطقی در سبب شناختی و تداوم اضطراب نقش اساسی ایفا می‌کند.^۴ جیلیبوا / اسکچتمن و همکاران^۵ مدعی شده‌اند دلیل اینکه افراد مبتلا به اضطراب اجتماعی پیامدهای منفی اجتماعی را آزار دهنده ارزیابی می‌کنند، تعبیر منفی‌ای است که به خود دارند، از جمله باور به داشتن ویژگی‌های شخصی پایدار و نامطلوب. بنابراین، افراد دارای اضطراب اجتماعی، خود را مسئول شکست می‌دانند و این شکست را ناشی از فقدان توانایی خود فرض می‌کنند که در نتیجه باعث کاهش انگیزه و انتظارات موفقیت‌آمیز در عملکرد خود می‌شوند.^۶ فقدان موفقیت در تعاملات اجتماعی نیز به نوبه خود اجازه می‌دهد که تصورات منفی و رفتارهای اجتنابی افزایش پیدا کند.^۷

با توجه به یافته‌های حاضر، برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی در مراکز و کلینیک‌ها برای آموزش به والدین در جهت ایجاد دل‌بستگی ایمن در فرزندان و استفاده از راهبردهای شناختی رفتاری و آموزش سبک‌های اسنادی مطلوب به افراد برای افزایش تعبیرهای شناختی مثبت در موقعیت‌های اجتماعی به منظور پیشگیری و بهبود اضطراب اجتماعی پیشنهاد می‌شود. همچنین با توجه به اینکه در این پژوهش معنویت و ارتباط با خدا از طریق اثرگذاری بر حوزه شناختی (اسناد موفقیت) اضطراب اجتماعی را کاهش می‌دهد، به دست اندرکاران امر و متخصصان بهداشت روان که با دانشجویان در ارتباط هستند، پیشنهاد می‌شود در جهت تقویت باورهای مذهبی و افزایش معنویت اقدام کرده و این عامل را در مداخله‌های خود در نظر بگیرند.

۱. جیمز باچر و همکاران، *آسیب شناسی روانی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ص ۵۳
2. Anxiety disorders
3. Neal, J, & Edelmann, R, "The etiology of social phobia: toward a development profile", *Clinical Psychology Review*, v23, p 762
۴. نرگس رازقی و همکاران، «مهد کودک و سبک‌های دلبستگی کودکان: پژوهشی در خانواده‌های تهرانی»، *تازه‌های علوم شناختی*، ش ۱، ص ۳۹.
5. L. E., Brumariu, & k. A. kerns, "mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood". *Journal of applied development psychology*, v29, p 394.
6. A. Erozkan, "the relationship between attachment style and social anxiety: an investigation with Turkish university student", *social behavior and personality*, v37, p 839.
7. L. E., Brumariu, & k. A. kerns, "mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood". *Journal of applied development psychology*, v29, p 394.
۸. غلامرضا رجبی و همکاران، «بررسی رابطه عملکرد خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش آموزان دبیرستان شهرستان ملایر»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۱۴، ص ۱۲۹
9. Home Religiou.
10. L. A, Kirikpatrick.
۱۱. کریم خدایپناهی و همکاران، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روانشناختی در دانشجویان»، *مجله روانشناسی*، ش ۳، ص ۳۱۱.
۱۲. فاطمه تقی‌یاره و همکاران، «بررسی ارتباط با سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان»، *روانشناسی*، ش ۳۳، ص ۵.
13. I.f, Okozi, "Attachment to God :its impact on the psychological wellbeing of persons with Religious vocation". *unpublished Doctoral Dissertation*, Seton Hall University. p4.
14. M, Miner "The impact of child parent attachment, attachment to God and Religious orientation on psychological adjustment". *Journal of psychology and theology*, v37, p115.
۱۵. فاطمه شهابی زاده، «بررسی رابطه ادراک سبک دلبستگی دوران کودکی، سبک دلبستگی بزرگسال با سبک دلبستگی به خدا»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، چکیده.
16. M, Miner, "The impact of child parent attachment, attachment to God and Religious orientation on psychological adjustment". *Journal of psychology and theology*, v37, p 119.
17. G, Hernandez, et al "Attachment to god, spiritual coping and Alcohol use". *the international Journal for the psychology of religion*, v20, p 98.
18. I.f, Okozi, "Attachment to God :its impact on the psychological wellbeing of persons with Religious vocation". *unpublished Doctoral Dissertation*, Seton Hall University. P 4.
۱۹. فاطمه شهابی زاده و همکاران، «ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا»، *روانشناسان ایرانی*، ش ۱۵، ص ۲۵۶.
20. L .A , Kirkpatrick, & P. R, shaver, "An attachment theoretical approach to love and religious belief", *personality and social psychology bulletin*, v 18, p269.
- 21 M, Bradshaw, et al., "Attachment to God, image of God, and psychological distress in a nationwide sample of presbyterians". *The international journal for the psychology of the psychology of religion*, v20, p 138.
22. C., Ellison, et al., "Blessed assurance: religion, anxiety, and tranquility among us adults", *social science research*, v38, Abstract.
۲۳. لیلا شکوهی امیرآبادی و دیگران، «استرس ادراک شده در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج با سبک‌های اسنادی مختلف در سال ۸۷»، *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ش ۴، ص ۱۰۸.
24. R. M , Arkin, et al., " Social anxiety, self-serving bias self-presentation in causal attribution. *Journal of personality and social psycholog*" v 38, p24.

25. D, Bell-Dolan, & A, Wessler, "Attributional style of anxiety children: extension from cognitive theory and research on adult anxiety". *Journal of anxiety disorder*, v8, Abstract.
26. S, Taylor, & J., Wald, "Expectation and attributions in social anxiety disorder: Diagnostic distinction and relationship to general anxiety and depression". *Cognitive Behaviour Therapy*, v 23, Abstract.
27. J, Neal, & R, Edelman, "The etiology of social phobia: toward a development profile", *Clinical Psychology Review*, v23, p 762.
۲۸. مهدیه میلانی و همکاران، «اثر بخشی درمان شناختی و رفتاری گروهی مبتنی بر الگوی هیمبرگ در کاهش نشانه‌های اضطراب اجتماعی»، *روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ش ۱، ص ۴۳
29. D, Watson, & R., Friend.
۳۰. جعفر رحیمی و همکاران، «بررسی تأثیر آموزش جرات‌ورزی بر مهارت‌های اجتماعی، اضطراب اجتماعی و ابراز وجود در دانش‌آموزان پسر سال اول مقطع متوسطه»، *علوم تربیتی و روانشناسی*، سال سیزدهم، ش ۱، ص ۱۱۶.
31. C, Hazan, & P, Shaver.
۳۲. فاطمه شهابی‌زاده و همکاران، «ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا»، *روانشناسان ایرانی*، ش ۱۵، ص ۲۵۸.
۳۳. فاطمه شهابی‌زاده، «تدوین مدلی جهت تبیین پایگاه‌های هویت در ارتباط با نقش دلبستگی به والد و خدا، کارکرد خانواده و مقابله مذهبی»، *پایان نامه دکتری*، ص ۱۵۳.
34. W.C, Rowatt.
۳۵. فاطمه شهابی‌زاده و همکاران، «ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا»، *روانشناسان ایرانی*، ش ۱۵، ص ۲۵۸.
۳۶. فاطمه شهابی‌زاده و همکاران، «ادراک دلبستگی دوران کودکی و رابطه آن با دلبستگی به خدا در بزرگسالی»، *مجله روانشناسی*، ش ۴، ص ۴۲۸.
۳۷. فاطمه شهابی‌زاده و همکاران، «ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا»، *روانشناسان ایرانی*، ش ۱۵، ص ۲۵۸.
38. C., Peterson, & M. E. P, Seligman.
۳۹. فرزانه معتمدی شارک و غلامعلی افروز، «بررسی رابطه سبک‌های اسنادی و سلامت روان در دانش‌آموزان تیز هوش و عادی»، *روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ش ۲، ص ۱۷۶
40. E, Greenberger, & C, Mclaughlin, "Attachment, coping, and explanation style in late adolescence", *Journal of youth and adolescence*, v27, p130.
۴۱. فرزانه معتمدی شارک و غلامعلی افروز، «بررسی رابطه سبک‌های اسنادی و سلامت روان در دانش‌آموزان تیز هوش و عادی»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ش ۲، ص ۱۷۷.
42. M, Miner, "The impact of child parent attachment, attachment to God and Religious orientation on psychological adjustment ", *Journal of psychology and theology*, v37, p119
۴۳. فاطمه شهابی‌زاده و همکاران، «ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا»، *روانشناسان ایرانی*، ش ۱۵، ص ۲۵۹.
44. S, Joules, "The mediating role of god attachment between religiosity and spirituality and psychology adjustment in young adults". *unpublished doctoral dissertation*, school of the ohio state university, p16.
45. E. H., Erikson
۴۶. فاطمه شهابی‌زاده، «بررسی رابطه ادراک سبک دلبستگی دوران کودکی، سبک دلبستگی بزرگسال با سبک دلبستگی به خدا»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، ص ۳۸

47. K. Loewenthal, et al., "comfort and Joy Religion, cognition and mood in protestants and jews under stress", *cognition and emotion*, v14, p16.
48. B. Sплика, et al., "a General attribution theory for the psychology of Religion". *Journal for the scientific study of Religion*, v24, p3.
49. L. E., Brumariu, & k. A., kerns, "mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood". *Journal of applied development psychology*, v29, p397.
50. S, Taylor , & J., Wald , "Expectation and attributions in social anxiety disorder: Diagnostic distinction and relationship to general anxiety and depression". *Cognitive Behaiour Therapy* ,v 23, Abstract.
۵۱. محمد طاهری و همکاران، «رابطه سبک دلبستگی مادران و بلوغ اجتماعی دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی دوره راهنمایی شهر شیراز(سال تحصیلی ۸۸-۸۷)»، پژوهشی حکیم، ش ۲، ص ۱۰۶.
۵۲. فریده حمیدی، «بررسی ساخت خانواده، سبک دلبستگی در دختران فراری و اثر بخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آن‌ها»، خانواده پژوهشی، ش ۱، ص ۶.
۵۳. شهلا پاکدامن و همکاران، «کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری - هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران»، روانشناسی کاربردی، ش ۱۷، ص ۸۸.
۵۴. رضا عبدی و همکاران، «سوگیری تعبیر در اختلال هراس اجتماعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، ش ۴، ص ۱۴۴.
55. E Gilboa-schechment, et al., "Anticipated reactions to social events: difference among individuals with generalized social phobia, obsessive compulsive disorder, and nonanxious controls", *cognitive therapy and research*, v24, p733.
56. R., Arkin, et al., "Social anxiety, self-serving bias self-presentation in causal attribution". *Journal o personality and social psycholog*, v38, p26.
57. S., Spence, et al., "Social skills, social outcome and cognitive features of childhood social phobia". *Journal of Abnormal psychology*, v108, p212.

منابع

- باچر، جیمز، مینکا، سوزان و هولی، جیل، *آسیب شناسی روانی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران، ۱۳۸۷
- پاکدامن، شهلا، سیدموسوی، پریسا سادات و قنبری، سعید، «کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران»، *روانشناسی کاربردی*، ش ۱۷، ۱۳۸۵، ص ۸۵-۱۰۰.
- تقی‌یاره، فاطمه، مظاهری، محمد علی و آزاد فلاح، پرویز، «بررسی ارتباط با سطح تحول من، دلبستگی به خدا و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان»، *مجله روانشناسی*، ش ۳۳، ۱۳۸۴، ص ۲۱-۳.
- حمیدی، فریده، «بررسی ساخت خانواده، سبک دلبستگی در دختران فراری و اثر بخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آن‌ها»، *نشریه علمی-پژوهشی خانواده پژوهشی*، ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۲۳-۵.
- خداپناهی، کریم و خاکساربلداچی، محمدعلی، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روانشناختی در دانشجویان»، *مجله روانشناسی*، سال نهم، ش ۳، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰-۳۱۰.
- رازقی، نرگس، غباری بناب، باقر، مظاهری، محمد علی، «مهد کودک و سبک‌های دلبستگی کودکان: پژوهشی در خانواده‌های تهرانی»، *تازه‌های علوم شناختی*، ش ۱، ۱۳۸۵، ص ۳۸-۴۶.
- رجبی، غلام رضا، چهاردولی، حجت‌الله، عطاری یوسفعلی، «بررسی رابطه عملکرد خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس یا ناسازگاری دانش آموزان دبیرستان شهرستان ملایر»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، ش ۱۴، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱ - ۱۲۸.
- رحیمی، جعفر، حقیقی، جمال، مهرابی زاده هنرمند، مهناز، «بررسی تأثیر آموزش جرات ورزی بر مهارت‌های اجتماعی، اضطراب اجتماعی و ابراز وجود در دانش‌آموزان پسر سال اول مقطع متوسطه»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، ش ۱، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴-۱۱۱.
- شهابی زاده، فاطمه، «بررسی رابطه ادراک سبک دلبستگی دوران کودکی، سبک دلبستگی بزرگسال با سبک دلبستگی به خدا»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۸۳
- شهابی زاده، فاطمه، شهیدی، شهریار، مظاهری، محمد علی، «ادراک دلبستگی دوران کودکی و رابطه آن با دلبستگی به خدا در بزرگسالی»، *مجله روانشناسی*، ش ۴، ۱۳۸۵، ص ۴۲۲-۴۴۰.
- شهابی زاده، فاطمه، سپاه منصور، مژگان، خوشنویس، الهه، «ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا»، *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، ش ۱۵، ۱۳۸۷، ص ۲۵۶-۲۵۳.
- شهابی زاده، فاطمه، «تدوین مدلی جهت تبیین پایگاه‌های هویت در ارتباط با نقش دلبستگی به والد و خدا، کارکرد خانواده و مقابله مذهبی»، *پایان‌نامه دکتری*، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۰
- شکوهی امیرآبادی، لیلا، خلعتبری، جواد، رضابخش، حسین، «استرس ادراک شده در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج با سبک‌های اسنادی مختلف در سال ۸۷»، *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ش ۴، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷-۱۲۹.
- طاهری، محمد، پورمحمد رضا تجریشی، معصومه، موللی، گیتا، رهگذر، مهدی، عرشی، بهار، «رابطه سبک دلبستگی مادران و بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان پسر عقب مانده ذهنی دوره راهنمایی شهر شیراز (سال

تحصیلی (۱۳۸۷-۸۸)، مجله پژوهشی حکیم، ش ۲، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹-۱۰۷.

عبدی، رضا، بیرشک، بهروز، محمودعلیلو، مجید، اضغر نژادفرید، علی اصغر، «سوگیری تعبیر در اختلال هراس اجتماعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، ۱۳۸۵، شماره ۴، ص ۱۵۹-۱۴۳.

معتمدی شارک، فرزانه، افروز، غلامعلی، «بررسی رابطه سبک‌های اسنادی و سلامت روان در دانش آموزان تیز هوش و عادی»، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، شماره ۲، ۱۳۸۶، ص ۱۸۱-۱۷۳.

میلانی، مهدیه، شهری، محمدرضا، قانلی، غلامحسین، بختیاری، مریم، طاولی، آزاده، «اثربخشی درمان شناختی و رفتاری گروهی مبتنی بر الگوی هیمبرگ در کاهش نشانه‌های اضطراب اجتماعی»، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، شماره ۱، ۱۳۸۸، ص ۴۹-۴۲.

- Arkin, R. M., et al, "Social anxiety, self-serving bias self-presentation in causal attribution". *Journal of personality and social psychology*, v 38, 1980, p 23-35.
- Brumariu, L. E., & kerns, k. A., "mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood". *Journal of applied development psychology*, v29, 2009, p 393-402.
- Bradshaw, M., "Attachment to God, image of God, and psychological distress in a nationwide sample of presbyterians". *The international journal for the psychology of the psychology of religion*, v20, 2010, p 130-147.
- Bell-Dolan, & D, Wessler, A, "Attributional style of anxiety children: extension from cognitive theory and research on adult anxiety". *Journal of anxiety disorder*, v8(1), 1994, p79-96
- Ellison, C, et al., "Blessed assurance: religion, anxiety, and tranquility among us adults", *social science research*, v 38(3), 2009, p 656-667.
- Erozkan, A, "the relationship between attachment style and social anxiety: an investigation with Turkish university student", *social behavior and personality*, v37(6), 2009.p 835-844.
- Gilboa-schechment, E, et al., "Anticipated reactions to social events: difference among individuals with generalized social phobia, obsessive compulsive disorder, and nonanxious controls", *cognitive therapy and research*, v24, 2000, p 731-746.
- Greenberger, E, & Mclaughlin, C, "attachment, coping, and explanatory style in late adolescence". *Journal of youth and adolescence*, v27(2), 1998, p121-139.
- Hernandaz, G, "Attachment to god, spiritual coping and Alcohol use". *the international Journal for the psychology of religion*, v 20, 2010, p97-108.
- Joules, Shaalon, "The mediating role of god attachment between religiosity and spirituality and psychology adjustment in young adults", *unpublished doctoral dissertation*, school of the ohio state university, 2007.
- Kirkpatrick, L.A, shaver, P. R, "An attachment theoretical approach to love and religious belief", *personality and social psychology bulletin*, v 18, 1992, p 266-275
- Miner, M., "The impact of child parent attachment, attachment to God and Religious orientation on psychological adjustment". *Journal of psychology and theology*, v37(2), 2009, p 114-124
- Neal, J. & Edelman, R., "The etiology of social phobia: toward a development profile". *Clinical Psychology Review*, v 23, 2003, p761-785.
- Loewenthal, K, et al., "comfort and Joy? Religion, cognition and mood in mood in protestants and jews under stress". *cognition and emotion*, v14, 2000, p 355-374.
- Okozi, I. f. "Attachment to God: its impact on the psychological wellbeing of persons with Religious vocation". *unpublished Doctoral Dissertation*, Seton Hall University, 2010.
- Splika, B., et al., "a General attribution theory for the psychology of Religion". *Journal for the scientific study of Religion*, v24(1), 1985, p 1-118.
- Spence, S., et al., "Social skills, social outcome and cognitive features of childhood social phobia". *Journal of Abnormal psychology*, v108 (2), 1999.p 211-221.
- Taylor, S, & Wald, J. "Expectation and attributions in social anxiety disorder: Diagnostic distinction and relationship to general anxiety and depression", *Cognitive Behaviour Therapy*, v23, 2003, p 166-178.